

جمهوری اسلامی، دژ کهنه ای در محراق آتشفشان،

خلق آزادیخواه ایران پس از سه دهه باردیگر امپریالیزم و ارتجاع رابه نبردمی طلبند. باز هم هزاران زن و مرد، پیرو جوان، دختر و پسر در خیابانهای بزرگ پایتخت و سایر شهرهای کشور دست به تظاهرات میزنند و به اشکال مختلف تفرشان را از استثمار و ستم ابراز مینمایند. دیگر به وضاحت دیده میشود که دیوارهای فرتوت دژ جمهوری اسلامی درز برداشته اند. تلاشهای سردمداران رژیم و حملات وحشیانه "سپاه و بسیج" بر خلقی که جز مقاومت تا سرنگونی کامل رژیم، هیچ انتخاب دیگری ندارند، تاکنون تأثیر اساسی نداشته است. خلق ایران به این حقیقت پی برده که طبقات حاکمه ایران بیشتر از هر زمان دیگر متفرق شده اند. نفاق آنها دیگر به حدی رشد کرده که آنها دروغ ها و تقلب کاری های یکدیگرشان را افشا میکنند. در این میان امپریالیست های غربی بیطرف و عاطل نشسته به صحنه نگاه نمیکنند. آنها دستگاه غول پیکر تبلیغاتی و رسانه یی شان را در موازات تحریکات عملی و دیپلوماتیک بکار انداخته و با تمام قدرت میکوشند خشم بیکران خلق این کشور را کانالیزه کنند. انگار که مردم ایران نمیدانند که در این نمایش خیمه شب بازی هریک از این ریاکاران سیاست باز که پیروز شود، پرکاهی را از کوه های رنج بیکران آنها برنمیدارد. یکی باروش آشنا، بسرکوب و محدود کردن آزادی های مردم ادامه میدهد و دمار از روزگار خلق درمی آورد و دیگری بارفرم در اعمال استبداد و ستمگری بر عمر این رژیم ضد مردمی می افزاید. امپریالیست ها به این توهم دامن میزنند که گویا پیروزی یکی بر دیگری به حال خلق تفاوت ایجاد خواهد کرد. درهای وهوی این توطئه خدرا نه، عناصر فرصت طلب و استفاده جو تلاش می ورزند تا تفرق و انزجار خلق را از کل نظام در حدود تفاوت رنگ تیره "و سبز" محدود سازند. توگویی که اگر نتایج این درامای کمیدی چیز دیگری میشود، خلق ایران از رفاه، آسایش، قدرت خرید و حداقل آزادی های مدنی برخوردار می شدند و تازیانه و شلاق "سگ زرد" با چماق و ریسمان دار "شغال برادرش" فرق میکند! اما خلق کبیر ایران بهیچ صورتی این بار بازی گزینش یک "بد" را بر "بد" دیگر نخواهند خورد. ما افغانستانی ها ضرب المثلی داریم که میگوید "آدم عاقل را دو بار از یک سوراخ مار نمی گزد". خلق ایران را یک دفعه از سوراخ "شاه برود، هر که می آید بیاید" افعی امپریالیزم و ارتجاع گزیده است. آنها دیدند که شاه و ساواکش رفت ولی خمینی و جلادانش آمدند. اکنون برخی میگویند "خدا کفن کش قدیم را بیامرزد". اما خلق ایران این بار نمیگذارند مردم باز هم اینطور قضاوت کنند. آنها این بار آگاهانه بسوی یک انقلاب مردمی حرکت خواهند کرد.

جمهوری اسلامی تنها خلق ایران را بر خاک سیه نشانیده بلکه، دمار از روزگار خلق افغانستان نیز در آورده است. همانگونه که خلق ایران هیچماتی عزیزان شان را که بواسطه این رژیم جلا به تیر بسته شده اند، فراموش نخواهند کرد، خلق افغانستان مارش جبری فرزندان شان را بر مزرعه های ماین ضد پسر سونل در خرمشهر و سایر جبهات جنگ علیه عراق از یاد نخواهند برد. همانگونه که خلق کرد، لر، ترک، بلوچ و عرب تحقیر، اهانت و سرانجام ستمگری ملی فارس را در پناه این رژیم ضد انسانی تحمل کرده و میکنند، پناهنده های افغانستان نیز با پوست و گوشت شان نیش زبان، فحاشی و اهانت رواداشتن را که این رژیم جنایتکار علیه آنها بطور سیستماتیک اشاعه و گسترش میدهد، از یاد نخواهند برد. جمهوری اسلامی در عین و عظ "اسلام مرز ندارد" پناهندگان افغانستانی را در کمپ های پناهندگان، بارها از آسمان بزیارتش گرفته و صد هاتن آواره را که برای نجات جان شان از توحش و ویرانگری ارتش متجاوز اتحاد شوروی به آنسوی مرز پناه برده بودند، به شهادت رسانیده است. جمهوری اسلامی هزاران تن از افغانستانی ها را که تن به مزدوری شان نمیدادند و در دسته های مسلح ملیشایی سازمانک های مزدور مانند نصر، نهضت، رعد، حرکت و... غیره در نمی آمدند، در کوچه ها و خیابان ها دستگیر و تحویل رژیم مزدور خلق و پرچم میکرد و آنها را بیادون سوال و جواب این آزادگان را در مقابل جوخه آتش قرار میدادند. جمهوری اسلامی جهت ایجاد تفرقه و جلوگیری از وحدت برادرانه خلق افغانستان و ایران، تمام جنایات اجتماعی جامعه ایران را بپای پناهندگان افغانستان ریخته

و میریزد . همین رژیم بود که خدراشاهد می کشید و سوگند می خورد که "خفاش شب افغانی است" و همین رژیم است که از هرواقعه بی درجهت تحت فشار قرار دادن پناهندگان افغانستانی استفاده میکند . همین رژیم است که حق باسواد شدن را از اطفال پناهنده افغانستانی گرفته و آنها را برخلاف تمام معیارهای انسانی از حق تعلیم و تربیه محروم ساخته است . جمهوری اسلامی یکی از عاملین عمده بی ثباتی و عدم امنیت در افغانستان بوده و از همان سال 1358 به اینطرف با سازماندهی دسته جات مزدور و میهنفروشی مانند نصر، نهضت، حرکت و غیره در ریختن خون مردم آزادیخواه افغانستان در موازات امپریالیزم و سوسیال- امپریالیزم سهم گرفته است . این رژیم یکی از عاملین درجه اول نفاق و خانه جنگی در افغانستان و تمویل کننده و سازمان دهنده بزرگ آن بوده و هست . این رژیم یکی از اولین رژیم های است که حکومت دست نشانده امپریالیست هارا که بر اساس معاهده ننگین بن بمیان آمد، برسمیت شناخته و درجهت تحکیم و ثبات آن کار کرده است . این رژیم تنها دشمن خلق ایران نه بلکه دشمن خلق افغانستان و خلق های آزادیخواه منطقه نیز میباشد . مبارزه علیه این رژیم و سرنگونی آن تنها وظیفه تاریخی خلق ایران نه بلکه وظیفه خلقهای سراسر منطقه میباشد . بدون سرنگونی این رژیم امر آزادی خلق افغانستان از پنجال خون آلود امپریالیست ها تحت قیادت امپریالیزم امریکا، کاری است بس مشکل . سرنگونی این رژیم بر خلاف تصور برخی باعث شادکامی امپریالیست ها نه، بلکه کمرآهاری شکند . زیرا این رژیم یکی از ستون های ایجاد ثبات نظام حاکم جهانی میباشد .

هموطنان عزیز افغانستانی که در ایران پناهنده هستید!

جمهوری اسلامی دشمن شماست . این رژیم چه چیزی را که شما نمیتوانید تصور کنید، بر سر شما نیاورده است؟ خشم 30 سال ناشی از استثمار، ستم، تحقیر، توهین و اذیت را که متحمل شده اید متراکم ساخته و آنرا دوشادوش برادران و خواهران ایرانی تان درجهت سرنگونی این ننگ تاریخ بشریت رهاسازید . برادران جاتباز ایرانی تان را در میدان نبرد با سگان وحشی "سپاه" و "بسیج" تنها گذارید، از استفاده از رنگ "سبز" جدا خودداری ننماید، رنگ شما سرخ است و فقط این رنگ شما را با دوستان واقعی ایرانی تان پیوند میدهد . در تظاهرات ضد رژیم فعالانه سهم بگیرید و بیه هیچ کسی اجازه ندهید شمارا به بهانه افغانستان بودن تان از سهمگیری در نبرد هستی ساز سرنگونی جمهوری اسلامی محروم سازد . با تمام مخالفین رژیم کمک کنید و لو اینکه کمک شما در حد یک گیلان آب تهیه کردن برای یک همرزم ایرانی تان باشد . این راه نمادی است از دوستی خلق افغانستان و خلق ایران .

سرنگون باد جمهوری اسلامی!

نابود باد امپریالیزم، فنودالیزم و سرمایاداری دلال!

زنده باد کمونیزم!

مائیویست های افغانستان

24 جون 2009

آدرس مکاتبه با ما

P.O. Box 1
Station H
Mountreal Qubek
H3G 2K5
Canada

آدرس الکترونی ما

Shoresh2008@gmail.com

آدرس صفحه الکترونیک

www.shoresh.eu